



## یادداشت

اعتراف مقام دولتی به ایجاد عامدانه شوک قیمتی به بهانه جلوگیری از قحطی!

صادق کار



اخیرا کلیپی از سخنان دکتر فرشاد مومنی یکی از اقتصاد دانان مخالف الگوی نئولیبرالیسم اقتصادی و سیاستهای اقتصادی حکومت و دولت پزشکیان منتشر شد که حاوی نکات افشاگرانه‌ای در ارتباط با نقش عامدانه دولت پزشکیان در به راه انداختن شوک قیمت‌هاست.

فرشاد مومنی می گوید:

"یک مقام مسئول عالی‌رتبه می گوید، اگر شوک قیمتی ایجاد نکرده بودیم، کشور با قحطی روبرو می شد. شرم آورتر از این عبارات نمی توان بر زبان جاری کرد... " مومنی به این مقام عالی رتبه که احتمالا باید پزشکیان باشد توصیه می کند از کسانی که این رهنمودها را می دهند فاصله بگیرد. کمی استراحت کند و می افزاید در شرایط عادی امکان ندارد کسی این حرفها را بزند. البته پزشکیان گاه و بیگاه از این قبیل حرفها می زند و ماهیت و جنس واقعی مشاوران خود را لو می دهد. چندی پیش هم گفت اگر ارز ترجیحی خوراک مرغ را برداریم، مرغ ارزان می شود. اما قیمت مرغ در ظرف چند ماه دو تا سه برابر شد. افزایش قیمت دارو گوشت، لبنیات، نان و خیلی از کالاهای اساسی دیگر نیز نتیجه القاء و بکار گیری همین تفکر است.

این انتقادات از جانب کسی انجام می گیرد که در هنگام انتخابات ریاست جمهوری گذشته در تبلیغ و حمایت از پزشکیان سنگ تمام گذاشته است، اما بعد از بیرون کشیدن پزشکیان از صندوق با مشاهده اقدامات دولت به منتقد سیاستهای اقتصادی وی تبدیل شده است و بارها آنها را نقد کرده است.

واقعا هم جای شگفتی دارد که وسط یک جنگ تجاوزگرانه از سوی بزرگترین قدرت نظامی و اقتصادی دنیا و اسرائیل که از لحاظ نظامی مجهزترین و پرخاشگر ترین قدرت در غرب آسیا محسوب می شود، یک دولت بجای تلاش برای تثبیت قیمت مایحتاج مردم کشورش، خلاف آنچه در چنین مواقعی در همه ی کشورها معمول است، عمل کند.

البته در اینکه دولت پزشکیان، مجلس، دستگاه قضایی و غیره یعنی کل سیستم حکومتی مدافع و مجری منافع اقلیت سرمایه دار و ثروتمند ایران بوده و هستند و اکثرا از اتاق بازرگانی برای سیاست گذاری رهنمود می گیرند، و اکثر رسانه های مجاز نیز از این سیاست حمایت و تلاش می کنند آنها را به خورد جامعه بدهند، من هیچگاه به خود تردید راه نداده‌ام، ولی تصور نمی کردم که که جنگ را نیز دستمایه سیاستهای ضد



مردمی و زیاده خواهانه یک اقلیت پنج درصدی و عوامل و خدمتگزاران فاسد آنان بنمایند. از همین رو افشاگری آقای مومنی برایم جالب و آموزنده بود.

از اقتصاد دانان چپگرا که همیشه منتقد و مخالف سیاستهای اقتصادی و اجتماعی دولت‌های برآمده از حکومت اسلامی بوده‌اند که بگذریم، اقتصاد خوانده های نیز بوده و هستند که از موضع عدالت خواهی نظرات منفی نسبت به سیاستهای اقتصادی و اجتماعی دولت پزشکیان و جریانات سیاسی حکومتی حامی آن دارند. ولی برخورد آنها در حدی که شرایط زندگی اکثریت مردم طلب می کند نیست.

مصیبت ها و فقر و فلاکتی که سیاستهای حکومت و دولت پیشبرنده این سیاستها بر مردم تحمیل کرده طلب می کند که این گروه و سایر مخالفان و منتقدین نیز نظیر آقای فرشید مومنی این رویکرد و طراحان و مجریان آنها را که اثرات آن برای اکثر مردم اظهر من الشمس است افشا و در مورد آنها روشنگری کنند.

در حکومتی که همه چیز در اختیار یک اقلیت کوچک سرمایه دار و ثروتمند است که حرص و طمع شان در مال اندوزی و تجملات حد و مرزی را بر نمی تابد و همه ی ابزار سرکوب را به خدمت گرفته، تنها خود مردم هستند، که می توانند این نیرو را سر جایش بنشانند. یکی از ملزومات به میدان آوردن مردم در این کارزار افشای اقدامات این جماعت است که باید توسط مطلعین انجام بگیرد.

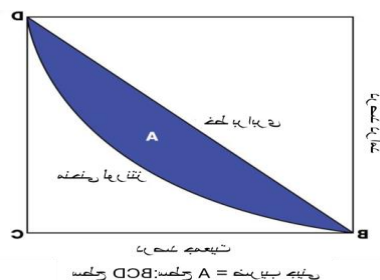
از نظر حاکمان مردم همان اقلیت کوچک سرمایه دار که کسی غیر از خودشان و اعوان و نصارشان نیست هستند. روشنگری در این موارد نه تنها مقاومت واقعی در مقابل تجاوز جنگی را تضعیف نمی کند، بلکه باعث تقویت آن می شود. تضعیف مقاومت مردم هم اکنون توسط جریان حاکم با راه انداختن موج گرانی ها و بالا بردن هزینه های زندگی، اخراج نیروی کار، کاهش دستمزدها، مقررات زدایی گسترده و فرصت طلبانه از حقوق طبقه کارگر و حقوق بگیر با استفاده فرصت طلبانه از شرایط جنگی، تشدید اعدام و سرکوب و سانسور و استبداد، توسط نهادهای یکدست شده حکومتی دارد انجام می گیرد. سکوت در این شرایط به بهانه جنگ تنها به سود بانیان این سیاستهای ضد مردمی و جنگ افروزان و گسترش فقر و فلاکت مردم تمام خواهد شد.

**همه با هم برای پایان دادن به جنگ و برقراری صلح و آزادی متحدانه مبارزه کنیم!**

**متحد و متشکل علیه بیکاری و فقر مبارزه باید کرد!**

فقر و نابرابری - بخش هشتم

برگرفته از "خدمات اداری هند"، Vision IAS



## 2 نابرابری

"برای رشد، به مقداری نابرابری نیاز است، اما نابرابری شدید نه تنها بیفایده است، بلکه می تواند برای رشد زیان آور باشد، زیرا تحرک اجتماعی را کاهش می دهد و می تواند به تسلط سیاسی بر نهادهای دموکراتیک ما منجر شود"

توماس پیکتی Thomas Piketty

### 2.1 نابرابری چیست؟

نابرابری به طور کلی به تفاوت در ثروت یا درآمد میان گروه های مختلف یا در درون یک جامعه اشاره دارد. نابرابری را می توان در وجوه مختلفی از حیات اجتماعی مشاهده کرد که همگی با هم مرتبط اند.

نابرابری لحظه ای درآمد

رایجترین شاخص نابرابری است و به توزیع نابرابر درآمد در میان یک جمعیت در لحظه معینی اشاره دارد.

نابرابری کل دوران زندگی

نابرابری در درآمد افراد در کل دوران زندگی.

نابرابری ثروت

توزیع نابرابر ثروت میان خانوارها یا افراد در یک مقطع زمانی مشخص.

نابرابری فرصت

تأثیر عواملی بر درآمد که افراد هیچ کنترلی بر آنها ندارند؛ مانند وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده، جنسیت و پیشینه هویتی.

### 2.2 سنجش نابرابری اقتصادی

یکی از روشهای سنجش نابرابری اقتصادی ضریب جینی است. شرح این روش در ادامه آمده است.



## ضریب جینی (Gini)

ضریب جینی رایج ترین روش اندازه گیری نابرابری است. این نام از نام خانوادگی آمارشناس و جمعیت شناس ایتالیایی، کورادو جینی Corrado Gini، گرفته شده است که در سال 1912 این شاخص را معرفی کرد. ضریب جینی نابرابری را در مقیاسی از 0 تا 1 اندازه گیری می کند. هرچه این ضریب به یک نزدیکتر باشد، نشان دهنده نابرابری بیشتری است. ضریب جینی نسبت مساحت بین یک خط مستقیم (خط برابری) و یک خط منحنی (منحنی لورنز) است، به مساحت زیر خط مستقیم.

ضریب 1 به این معناست که یک نفر تمام درآمد را کسب می کند یا تمام ثروت را در اختیار دارد، در حالی که ضریب 0 نشان دهنده آن است که همه افراد درآمد یکسانی دارند؛ یعنی برابری کامل.

## کاستی های ضریب جینی

- به آسانی قابل تجزیه یا جمع پذیر نیست؛
  - نسبت به انتقال درآمد میان افراد در دو انتهای مخالف توزیع درآمد، همان واکنشی را نشان نمی دهد که نسبت به انتقال درآمد در بخش میانی توزیع نشان می دهد؛
  - توزیعهای درآمدی بسیار متفاوت ممکن است ضریب جینی یکسانی داشته باشند؛
  - این شاخص تفاوتهای جمعیتی میان زیرگروه های موجود در توزیع درآمد، مانند توزیع درآمد بر حسب سن، نژاد یا گروه های اجتماعی را نشان نمی دهد. درک ویژگیهای جمعیتی برای فهم معنای یک ضریب جینی مشخص اهمیت دارد. برای مثال، وجود جمعیت زیاد بازنشستگان می تواند ضریب جینی را افزایش دهد؛
  - دقت این شاخص به وجود داده های قابل اعتماد درباره تولید ناخالص داخلی (GDP) و درآمد وابسته است. اقتصادهای زیرزمینی و فعالیتهای اقتصادی غیررسمی در همه کشورهای وجود دارند. فعالیتهای اقتصادی غیررسمی معمولاً سهم بزرگتری از تولید واقعی اقتصادی را در کشورهای در حال توسعه و همچنین در میان گروه های کم درآمد هر کشور تشکیل می دهند. در هر دو مورد، این امر باعث می شود که شاخص جینی مبتنی بر درآمدهای اندازه گیری شده، نابرابری واقعی درآمد را بیش از حد نشان دهد. دستیابی به داده های دقیق درباره ثروت حتی دشوارتر است، زیرا بهشتهای امن مالیاتی بسیاری وجود دارند.
- \*منحنی لورنز رابطه میان بخشی از جمعیت و سهم آن بخش از درآمد کل در آن جمعیت را نشان می دهد. این منحنی چگونگی توزیع درآمد یا ثروت را در یک جامعه به تصویر می کشد.

**چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!**

**کمیته های همیاری را در محل های کار و محلات تشکیل دهیم!**



تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در قرن بیستم

بهر روز فدایی



## بخش سوم

### تحولات نیروهای اجتماعی و توازن قوای طبقاتی در اروپای شمالی از سازش تاریخی سرمایه و کار تا چالش‌های نئولیبرالیستی

#### مقدمه

کشورهای اروپای شمالی، به‌ویژه سوئد، نروژ، دانمارک و فنلاند، در قرن بیستم الگویی متفاوت از تحول سرمایه‌داری را تجربه کردند. برخلاف بسیاری از کشورهای اروپای غربی که تضاد میان سرمایه و کار اغلب به بحران‌های شدید اجتماعی و سیاسی منجر می‌شد، در شمال اروپا نوعی «سازش تاریخی» میان طبقه کارگر، سرمایه‌داران و دولت شکل گرفت که به ایجاد دولت‌های رفاه و ثبات اجتماعی گسترده انجامید.

این کشورها نه به سمت انقلاب سوسیالیستی حرکت کردند و نه سرمایه‌داری کلاسیک بدون محدودیت را پذیرفتند. بلکه با قدرت‌گیری احزاب سوسیال‌دموکرات و اتحادیه‌های کارگری، الگویی از سرمایه‌داری اجتماعی ایجاد شد که در آن، توازن قوا میان طبقات مختلف از طریق مذاکره، قراردادهای جمعی و سیاست‌های رفاهی تنظیم می‌شد.

با این حال، از دهه‌های پایانی قرن بیستم، این مدل نیز تحت فشار جهانی‌سازی، نئولیبرالیسم و تحولات بازار کار دچار تغییرات عمیق شد.

#### ۱. زمینه تاریخی؛ سرمایه‌داری پیرامونی و جامعه نسبتاً همگن



در آغاز قرن بیستم، کشورهای شمال اروپا هنوز از قدرتهای اصلی صنعتی جهان محسوب نمی‌شدند. بخش مهمی از اقتصاد آنها متکی بر کشاورزی، شیلات، جنگل‌داری و صنایع سبک بود. ساختار اجتماعی این کشورها نیز نسبت به کشورهای صنعتی بزرگ اروپا شکاف طبقاتی محدودتری داشت.

چند عامل مهم موجب شد که مسیر تحولات اجتماعی در شمال اروپا متفاوت باشد:  
جمعیت نسبتاً کم؛

ضعف اشرافیت سنتی نسبت به اروپای مرکزی؛

گسترش زودهنگام آموزش عمومی؛

و شکل‌گیری تدریجی نهادهای دموکراتیک.

در چنین بستری، جنبش کارگری توانست بدون ورود به جنگ داخلی یا انقلاب، به تدریج در ساختار سیاسی نفوذ کند

## ۲. ظهور سوسیال‌دموکراسی و سازمان‌یابی طبقه کارگر

از اوایل قرن بیستم، احزاب سوسیال‌دموکرات در شمال اروپا رشد کردند. این احزاب برخلاف جریان‌های انقلابی مارکسیستی، استراتژی اصلاح تدریجی سرمایه‌داری را دنبال می‌کردند.

در همین زمان، اتحادیه‌های کارگری نیز به سرعت گسترش یافتند و به نهادهایی قدرتمند در جامعه تبدیل شدند.

در سوئد، توافق تاریخی میان اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایان در دهه ۱۹۳۰ پایه‌گذار مدلی شد که بعدها به «مدل اسکاندیناوی» معروف گردید. بر اساس این مدل:

کارگران حق سازمان‌یابی گسترده داشتند؛

سرمایه‌داران مالکیت خصوصی را حفظ می‌کردند؛

اما دولت موظف بود نابرابری را کاهش دهد و خدمات اجتماعی گسترده ارائه کند.

در این مرحله، طبقه کارگر شمال اروپا موفق شد بدون سرنگونی نظام سرمایه‌داری، توازن قوا را به نفع خود تغییر دهد.

## ۳. دوران طلایی دولت رفاه؛ اوج قدرت اجتماعی نیروهای کارگری



پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای شمال اروپا وارد دوره‌ای شدند که می‌توان آن را اوج نفوذ سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر دانست.

## در این دوره

احزاب سوسیال‌دموکرات برای دهه‌ها قدرت سیاسی را در اختیار داشتند؛ اتحادیه‌های کارگری بخش بزرگی از نیروی کار را سازمان‌دهی می‌کردند؛ و دولت‌ها سیاست بازتوزیع ثروت را به شکل گسترده اجرا می‌کردند. مدل شمال اروپا بر سه ستون اصلی استوار بود

## الف) قدرت بالای اتحادیه‌ها

اتحادیه‌ها نه فقط نهادهای صنفی، بلکه بازیگران اصلی سیاست اقتصادی بودند. آنها در تعیین دستمزدها، سیاست‌های اشتغال و حتی برنامه‌ریزی اقتصادی نقش داشتند.

## ب) مالیات بالا و خدمات عمومی گسترده

دولت‌ها با اخذ مالیات سنگین از درآمدهای بالا و سرمایه، نظام رفاهی گسترده‌ای ایجاد کردند:

آموزش رایگان؛

درمان عمومی؛

بیمه بیکاری؛

بازنشستگی؛

و حمایت گسترده از خانواده‌ها.

## ج) سازش طبقاتی

سرمایه‌داران شمال اروپا پذیرفتند که بخشی از سود خود را در چارچوب ثبات اجتماعی و رفاه عمومی تقسیم کنند. در مقابل، جنبش کارگری نیز از مسیر انقلابی فاصله گرفت.

نتیجه این مدل، کاهش چشمگیر نابرابری اجتماعی و شکل‌گیری یکی از باثبات‌ترین ساختارهای سیاسی جهان بود.

## ۴. تفاوت شمال اروپا با اروپای غربی



مدل شمال اروپا تفاوت‌های مهمی با کشورهای بزرگی مانند فرانسه یا ایتالیا داشت

در اروپای غربی

تضادهای طبقاتی اغلب شدیدتر بود؛

احزاب کمونیست نفوذ بیشتری داشتند؛

و دولت‌ها بیشتر با بحران‌های سیاسی و اعتصاب‌های گسترده مواجه می‌شدند.

اما در شمال اروپا، سوسیال‌دموکراسی توانست بخش مهمی از طبقه کارگر را در چارچوب اصلاحات تدریجی حفظ کند و مانع قطبی‌شدن شدید جامعه شود.

در واقع، دولت رفاه شمال اروپا حاصل نوعی «توافق اجتماعی پایدار» بود، نه نتیجه انقلاب یا تقابل مستقیم.

## ۵. بحران دهه ۱۹۷۰ و ورود نئولیبرالیسم

بحران اقتصادی دهه ۱۹۷۰، مدل شمال اروپا را نیز تحت فشار قرار داد. رکود اقتصادی، تورم و افزایش هزینه‌های دولت رفاه موجب شد که سرمایه‌داران و بخشی از نیروهای سیاسی خواهان اصلاحات بازارمحور شوند.

از دهه ۱۹۸۰ به بعد، کشورهای شمال اروپا به تدریج برخی سیاست‌های نئولیبرالی را پذیرفتند

خصوصی‌سازی محدود؛

کاهش مقررات بازار؛

آزادسازی مالی؛

و انعطاف‌پذیر کردن بازار کار.

اما تفاوت مهم شمال اروپا با بسیاری از کشورهای دیگر این بود که این اصلاحات معمولاً با حفظ بخش بزرگی از نظام رفاهی همراه شد

در نتیجه، اگرچه قدرت اتحادیه‌ها کاهش یافت، اما فروپاشی کامل سازش اجتماعی رخ نداد

## ۶. فروپاشی شوروی و تغییر فضای سیاسی



پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، فشار ایدئولوژیک بر سرمایه‌داری غربی کاهش یافت. در شمال اروپا نیز احزاب سوسیال‌دموکرات به تدریج به سیاست‌های بازارمحور نزدیک‌تر شدند

## در این دوره

بخشی از صنایع دولتی خصوصی شد؛

رقابت در خدمات عمومی افزایش یافت؛

و سیاست‌های ریاضتی محدود در برخی کشورها اجرا شد.

با این حال، برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر، شمال اروپا همچنان سطح بالایی از حمایت اجتماعی را حفظ کرد.

دلیل این مسئله، باقی‌ماندن قدرت نسبی اتحادیه‌ها و ریشه‌دار بودن فرهنگ توافق اجتماعی بود

## ۷. تحولات جدید؛ مهاجرت، اقتصاد دیجیتال و بحران نمایندگی

در دهه‌های اخیر، مدل شمال اروپا با چالش‌های تازه‌ای روبه‌رو شده است:

### الف) تضعیف تدریجی اتحادیه‌ها

گرچه اتحادیه‌ها هنوز قدرتمندند، اما میزان عضویت کارگران نسبت به گذشته کاهش یافته است.

### ب) رشد اقتصاد پلتفرمی

اشتغال موقت و دیجیتالی، ساختار سنتی سازمان‌یابی کارگری را تضعیف کرده است.

### ج) مهاجرت و تغییر ترکیب اجتماعی

افزایش مهاجرت، ترکیب اجتماعی کشورهای شمال اروپا را تغییر داده و در برخی موارد زمینه رشد نیروهای راست‌گرا را فراهم کرده است.

### د) افزایش فشار سرمایه جهانی

رقابت جهانی موجب شده دولت‌ها برای حفظ سرمایه‌گذاری، بخشی از سیاست‌های رفاهی خود را تعدیل کنند.

با این حال، برخلاف بسیاری از کشورهای اروپایی، هنوز بخش مهمی از جامعه شمال اروپا از ایده عدالت اجتماعی، خدمات عمومی و نقش فعال دولت حمایت می‌کند



## نتیجه‌گیری

تجربه اروپای شمالی نشان می‌دهد که سرمایه‌داری الزاماً تنها در شکل لیبرالی افراطی یا تقابل کامل طبقاتی عمل نمی‌کند. در این کشورها، طبقه کارگر توانست از طریق سازمان‌یابی گسترده، قدرت اتحادیه‌ها و حضور سیاسی سوسیال‌دموکراسی، توازن قوای اجتماعی را به سود خود تغییر دهد، بدون آنکه ساختار سرمایه‌داری را به طور کامل واژگون کند. به تأکید بخش قابل ملاحظه از کارشناسان اقتصادی و جامعه‌شناسان، شرایط و مناسبات جدید در جهان دیگر سوسیال دموکراسی امکان تأثیر گذاری دهه‌های گذشته را نخواهد داشت و احتیاج به بازبینی خود دارد

مدل شمال اروپا بر پایه سازش تاریخی میان سرمایه و کار شکل گرفت؛ سازشی که دولت رفاه، کاهش نابرابری و ثبات اجتماعی را ممکن ساخت. هرچند نئولیبرالیسم و جهانی‌سازی بخشی از این دستاوردها را تضعیف کرده‌ان و روندی بدونه بازگشت را برای سوسیال دمکراتها فراهم کرده‌اند، اما هنوز هم این کشورها نسبت به بسیاری از جوامع سرمایه‌داری، سطح بالاتری از حمایت اجتماعی و مشارکت سازمان‌یافته نیروهای کارگری را حفظ کرده‌اند.

**تحولات امروز شمال اروپا نشان می‌دهد که آینده توازن قوای اجتماعی، نه فقط به قدرت اقتصادی سرمایه، بلکه به میزان سازمان‌یابی نیروهای اجتماعی، فرهنگ سیاسی و توان جامعه در دفاع از دستاوردهای تاریخی خود وابسته است همچنین احزاب و گرایش‌های لازم است ایده‌ها و راه‌حلهای رادیکالتری را جستجو کنند**

**برقرار باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی!**

**ما از مبارزات تبعیض ستیزانه زنان برای آزادی و برابری با مردان و برقراری عدالت حمایت و برای تحقق آن مبارزه می‌کنیم!**

سرمایه‌داری حاکم بر ایران بذر کین می‌افشاند

صادق



اعتراضات و اعتصابات کارگری در هفته های اخیر در اعتراض به اقدامات حاکمیت سرمایه داری برای تعدیل حقوق طبقه کارگر پس از وقفه ای که جنگ ایجاد کرده بود دوباره شروع شده است.

علاوه بر کارگران گروه های دیگری از مزدبگیران نظیر پرستاران و کارکنان موسسات دولتی و خصوصی و همچنین بازنشستگان، در این اعتراضات حضور دارند.

یکی از این اعتراضات، حرکت کارگران گروه ملی فولاد است که به تعویق دوماهه در پرداخت دستمزدها، دستکاری در پرداخت حق بیمه و قطع برخی مزایای قانونی مانند حق اضافه کاری است که بطور ناگهانی بدون کوچکترین توضیح و اطلاعی قطع شده است.

حقوق این کارگران نیز مانند اکثر کارگران نه تنها با تعویق طولانی مواجه شده، بلکه بعضی از مزایای قانونی مزدی آنها مانند حق اضافه کاری شان به گفته خودشان قطع شده است و حتی حق بیمه شان را که در حقوق بازنشستگی شان اثر بلافصل دارد کمتر از آنچه هست پرداخت کرده اند. همه ی این موارد بخشی از تعرضی است که کارفرمایان آتش به اختیار خود راسا از بالای سر کارگران و حتی بدون تصویب آنها در نهادهای قانونی و حقوقی انجام داده اند. همگی این تغییرات که با استفاده (از نعمت جنگ) تلاش در تثبیت و جا انداختن آن دارند، غیر قانونی هستند و اگر بنا به اجرای قانون باشد مجریان آن باید محاکمه و مجازات شده و خسارات آن را بپردازند.

مقامات رسمی از وزارت کار، مجلس گرفته تا سایر نهادهای قدرت و همه ی وابستگان به قدرت که بنام مردم برای حفظ منافع باندی شان وقت و بی وقت یقه می درانند از آنجا که از این بی قانونی سود می برند، انگار که کر و لال شده اند، در این مورد مهر سکوت بر لب زده اند .

بنا به گزارش بازنشستگان شوش در فیش های حقوقی آخر بازنشستگان حق معیشت را عملا با ادغام در حق عائله مندی حذف کرده اند. پرستاران سراسر کشور، ماما های شاغل در مراکز درمانی دانشگاه علوم پزشکی ابرانشهر، کارگران اخراج شده بعد از جنگ که سه ماه است منتظر گرفتن حقوق بیکاری هستند، ملیونها بازنشسته که مزایای مزدی شان قطع شده و همگی بخشی از دریافتی های ناچیزشان را از دست داده اند به اعتراض برخاسته اند. مقامات و نهادهای حکومتی نه تنها حسب وظیفه قانونی شان جلوی این اقدامات را نمی گیرند، بلکه خود در بخش های دولتی همان ها را اجرا می کنند .



موج گسترده‌ی اعتراضات و اعتصابات کارگری که تا قبل از هر دو جنگ و تجاوز جنایتکارانه امریکا و اسرائیل جریان داشت و در حال پیشرفت بود، به محض شروع جنگ و سیطره فضای جنگی بر کشور از آنجا که نمی‌خواستند با تجاوزگران به کشورشان همسو شوند، متوقف شد .

دولت و کارفرمایان با استفاده از جنگ و تشدید فضای امنیتی بر کشور، تعرض تازه‌ای را به حقوق کارگران و زحمتکشان آغاز کردند که آثار شوم آن بسرعت در شرایط کاری و معیشتی کارگران خود را نشان داد.

کاهش دستمزدها، اخراج‌های دسته جمعی گسترده، قطع مزایای مزدی، امتناع از پرداخت حق بیمه، تعویق طولانی در پرداخت دستمزدها، بالا بردن جهشی هزینه‌های زندگی از جمله اقداماتی بود که قبل از جنگ و در اوج اعتراضات فزاینده کارگران و سایر مزد و حقوق بگیران با سرعتی که در میانه جنگ به عمل درآمد میسر نبود. همه‌ی این اقدامات به بهانه جنگ انجام گرفت. گویی تصمیم گرفته بودند کارگران و مزد بگیران را بخاطر عدم همسویی با تجاوزگران خارجی مجازات کنند .

بعد از آتش بس در هر دو جنگ اعتراضات کارگری به رغم تشدید فضای امنیتی دوباره شروع به رشد کرد. دلیل رشد اش نیز غیر از تشدید فشار و سرکوب و وخامت روز افزون وضعیت معیشتی در اثر تعرض تازه به سفره‌های کارگران نبود و نیست .

طبقه کارگر به راستی در اثر تعرضی که در این دو جنگ به حقوق اش انجام گرفت از لحاظ حقوقی به اندازه چندین سال به عقب برگردانده شد و فقیرتر شد. با این همه رام و مطیع نشد و نخواهد شد. شروع و گسترش اعتراضات گروه‌های مختلف مزدبگیران یدی و فکری در چند هفته بعد از آتش بس نصفه نیمه اخیر خود دلیلی است بر این مدعا.

تداوم و طولانی شدن جنگ تردیدی نیست که مانع و وقفه بر سر راه گسترش اعتراضات بوجود می‌آورد و به حکومت فرصت می‌دهد تا پروژه بی حقوق سازی طبقه کارگر را تکمیل نماید ، با این حال باعث تعطیلی و کاهش ظرفیت اعتراضی در جنبش کارگری نخواهد شد .

طبقه سرمایه دار حاکم می‌تواند با سوء استفاده از فرصتی که جنگ برایش بوجود آورده با کمک نیروی سرکوب و تشدید فضای امنیتی ، حقوق زحمتکشان را تضعیف نماید، اما نمی‌تواند آنچه را که در این مدت از کارگران پس گرفته است تثبیت نماید.

کارگرانی که بجای بهبود حقوق شاهد تضعیف آن و پیامدهای منفی اش روی معیشت و شرایط کار و زندگی خود هستند، محال است با اتکا به نیروی سرکوب از پیگری برای احقاق حق شان منصرف کرد. گرفتن حقوقی که طی یک قرن مبارزه دشوار بدست آمده، محرکی بسیار تحریک کننده‌تر از مبارزه برای بهبود حقوق است .

اعتراضات اخیر اگر چه اکثرا جنبه تدافعی دارند، اما شروع یک ضد حمله برای پس گرفتن دست‌آورد‌های مبارزاتی غارت شده هستند . اعتراضات کارگری در فضای حاکم بر کشور، این ظرفیت را دارند که در تداوم خود به اعتراضات تعرضی صنفی- سیاسی فرا برویند و اساس حکومت را در همراهی با جنبش‌های مترقی



و مدنی مختلف به چالش بکشند. در آن صورت بهایی که سرمایه داری پرخاشگر و حریص حاکم بابت اقدامات اش باید بپردازد، گمان نمی کنم برایش مقرون به صرفه باشد. حقوقی که یک طبقه اجتماعی در اثر مبارزات تاریخی و طولانی کسب کرده است ممکن است موقتا در شرایط خاصی امکان پذیر باشد، ولی در میان مدت و بلند مدت میسر نیست. سرمایه داری حریص حاکم بر ایران با این اقدامات تخم کین می افشانند و گور خود را می کند و طبقه کارگر را بسوی انقلاب می راند

## برخورداری از بیمه و تامین اجتماعی حق همه ی کارگران است!

## زنده و گسترده باد اتحاد و همبستگی کارگران!



بیانیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران: نه جنگ، نه سرکوب!

نه به جنگ، نه به سرکوب؛ دفاع از صلح، آزادی و تشکل یابی مستقل

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در بیانیه‌ای تازه، با اشاره به همزمانی جنگ، گسترش فقر، قطع طولانی مدت اینترنت، بحران آموزش و تشدید سرکوب فعالان صنفی و مدنی، اعلام کرد جامعه ایران در ماه‌های اخیر زیر فشار چند بحران همزمان قرار گرفته است؛ از جان باختن دانش‌آموزان و معلمان در دی ماه خونین و کشته شدن کودکان و معلمان در جریان تجاوز خارجی، تا بیکاری گسترده، سقوط قدرت خرید، محروم شدن میلیون‌ها دانش‌آموز از آموزش مؤثر و بازداشت و پرونده‌سازی علیه معلمان. این شورا با محکوم کردن همزمان جنگ‌افروزی و استبداد داخلی، خواستار پایان مخاصمه، توقف اعدام‌ها، آزادی همه زندانیان سیاسی و صنفی، به رسمیت شناخته شدن حق تشکل‌یابی و تجمع، و حرکت جامعه به سوی صلح، آزادی، عدالت اجتماعی و رفاه شد.

در شرایطی که جامعه ایرانی هنوز داغدار عزیزترین فرزندان خود در دیماه خونین بود، تجاوز خارجی باعث کشته شدن افراد بی‌گناه دیگر و از جمله تعدادی از دانش‌آموزان (به ویژه کودکان میناب) و معلمان شد و پیامدهایی چون ناامنی، آسیب به زیرساخت‌های کشور، تورم فزاینده، گسترش فقر و سقوط قدرت خرید مردم را به دنبال داشت.

در چنین شرایطی حاکمیت به جای تلاش برای رفع بحران‌هایی که زندگی و حیات مردم را در مخاطره جدی قرار داده است، با خارج کردن دسترسی عموم به اینترنت بین‌الملل برای بیش از سه ماه موجبات افزایش



بحران بیکاری را فراهم کرد. طوری که در همین مدت بیش از دو میلیون نفر بنا بر آمارهای رسمی، کسب و کار خود را از دست داده اند.

علاوه بر آن نبود دسترسی درست به فضای مجازی، ضمن ایجاد دشواری های فراوان برای معلمان، امکان آموزش کارآمد را برای دانش آموزان ایرانی در این مدت از بین برد و این چنین فرصت سوزی هایی عملاً بازی با سرنوشت آینده سازان این سرزمین است که به نظر می آید برای تصمیم گیران محلی از اعراب ندارد.

در کنار بحران جنگ، بیکاری و سقوط جامعه ایرانی به ورطه فقر مطلق، افزایش سرکوب های امنیتی و بازداشت فعالان سیاسی و مدنی و گسترش اعدام ها به ویژه در میان زندانیان سیاسی، بر اندوه این جامعه بحران زده افزوده است.

ما بارها با صدای بلند اعلام کرده ایم که در ایران به تغییرات بنیادین و دموکراتیک، از پایین به بالا با تاکید بر تشکلیابی مستقل و به رسمیت شناختن تکثر در جامعه و رفع انواع تبعیض باور داریم. از همین رو دوباره و به صورت موکد هر نوع مداخله خارجی را محکوم می کنیم و خواهان پایان مخاصمه هستیم و با هر نوع ماجراجویی و سیاست جنگ افروزی از هرسو که موجب برهم زدن آتش بس و آرامش در منطقه گردد مخالفیم.

شورای هماهنگی همان گونه که یاد دانش آموزان و معلمان جان باخته در دی ماه خونین را گرامی داشت، یاد معلمان و کودکان جان باخته از جمله دانش آموزان میناب را گرامی می دارد.

صدای ما واضح و روشن است:

نه به جنگ، نه به استبداد داخلی؛

صلح، آزادی، عدالت اجتماعی و رفاه خواست مردم است.

در دیماه خونین معلمان عزیزی را از دست دادیم که خونشان سنگفرش خیابان ها شد. همزمان با موج گسترده بازداشت معلمان و فعالان صنفی نیز مواجه شدیم.

رضا مسلمی عضو کانون معلمان همدان، عبدالله رضایی عضو انجمن صنفی فرهنگیان هرسین، خان عزیز اسماعیلی عضو انجمن صنفی فرهنگیان اسلام آباد غرب، حسین رمضانپور عضو انجمن صنفی معلمان خراسان شمالی، محمود صدیقی پور عضو کانون صنفی فرهنگیان گیلان و شکرالله احمدی بازرس شورای هماهنگی از جمله این بازداشت شدگان بودند که در انتظار تشکیل دادگاه هستند.

با شروع جنگ و قطعی گسترده اینترنت، سرکوب فعالان صنفی نیز ادامه یافت.

علی احمدی معلم باز نشسته از نورآباد ممسنی در شامگاه ۱۵ اسفند ماه با یورش گروهی ماموران امنیتی به منزلش بازداشت شد و هم اکنون با وجود بیماری با اتهامات بسیار سنگین در زندان عادل آباد شیراز است.



دو عضو دیگر انجمن صنفی معلمان فارس مهدی فتحی و ایمان شهوندی با احکام ناعادلانه حبس مواجه شدند.

در همان ماه، مأموران امنیتی با یورش همزمان به منازل مجتبی گودرزی، محمد حبیبی، پروین سلیمی، مسعود زینالزاده، ضمن تفتیش منازل، وسایل ارتباطی آنان و حتی اعضای خانواده‌هایشان را ضبط کردند. منوچهر آقاییگی نیز در کرمانشاه بازداشت و برای مدتی در بی‌خبری کامل محبوس بود.

در ادامه این روند فعالان صنفی، سیامک صادقی چهارزی در خوزستان، رضا امانی‌فر و اصغر حاجب در بوشهر و محمدعلی زحمتکش در شیراز بازداشت شدند. بازداشت اصغر حاجب در حالی صورت گرفت که وی از بیماری قلبی رنج می‌برد و نیازمند مراقبت‌های پزشکی مستمر است.

در همین چارچوب، فعالان صنفی کرمانشاه نیز به‌طور ویژه هدف فشارهای امنیتی قرار گرفته‌اند. سودابه حق‌گو، ثریا ارژنگی، فریده قهرمانی، انوشیروان بریموندی، علی صادقی، و ابراهیم خدادادی از جمله فعالانی هستند که در ماه‌های اخیر با یورش، تفتیش، ضبط وسایل ارتباطی و محدودیت‌های شدید ارتباطی از جمله مسدودسازی خطوط تلفن مواجه شده‌اند.

همزمان دستگاه‌های امنیتی و قضایی با صدور و اجرای احکام قضایی علیه فعالان صنفی مرحله تازه‌ای از فشارها را آغاز کرده‌اند. در استان کرمان، محمدرضا بهزادپور، حسین رشیدی و مجید نادری به حبس محکوم شده‌اند و شماری دیگر از معلمان از جمله شهناز رضایی شریف‌آبادی، زهرا عزیزی، لیلا افشار، میترا نیک‌پور و فاطمه یزدانی با جریمه‌های سنگین مالی مواجه شده‌اند؛ جریمه‌هایی که آشکارا برای فرسایش توان اقتصادی و اجتماعی فعالان صنفی طراحی شده است.

در سبزواری علیرضا شایگان فعال صنفی به همراه همسرش فرزانه فرهد از تاریخ ۲۵ فروردین ماه در بازداشت موقت و بلا تکلیف به سر می‌برند.

در گیلان، حسن نظریان، معلم اخراجی و فعال صنفی، با اتهاماتی امنیتی و سیاسی به دادگاه احضار شده است. در خوزستان، نریمان فرهادی با پرونده‌سازی قضایی روبه‌رو شده و فروغ خسروی حکم ناعادلانه اخراج از آموزش و پرورش را دریافت کرده است.

همچنین صلاح حاجی میرزایی از فعالان صنفی کردستان با حکم ممنوع‌الکاری از طرف هیئت تجدید نظر تخلفات وزارت آموزش و پرورش مواجه شده است.

در لنگرود نیز مأموران امنیتی با یورش به منزل محمود بهشتی لنگرودی دبیر کل کانون صنفی معلمان تهران، ضمن ضبط وسایل شخصی وی را برای پاسخگویی احضار کرده‌اند.

در استان البرز مسعود فرهیخته معلم زندانی که از شهریور ماه سال گذشته مشغول گذراندن دوران حبس سه سال و شش ماه خود در زندان کرج است، با پرونده سازی جدید مواجه شده است.



این معلم زندانی که از حق مرخصی نیز محروم است، با دو پرونده جدید در تاریخ هفتم تیر ماه باید در دادگاه حاضر شود.

این رخدادها را نمی‌توان مجموعه‌ای از اتفاقات پراکنده دانست. آنچه در برابر ما قرار دارد، یک الگوی روشن و سازمان‌یافته برای تضعیف تشکلهای مستقل معلمان و خاموش کردن صدای مطالبه‌گری جامعه است.

به نظر می‌رسد هرچه بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و آموزشی عمیق‌تر می‌شود، اراده نهادهای امنیتی برای محدود کردن نهادهای مستقل مدنی نیز افزایش می‌یابد؛ گویی به جای حل بحران‌ها، قرار است حاملان صدای اعتراض و مطالبه‌گری حذف شوند.

یکی از پیامدهای جنگ تعطیلی مدارس و مجازی شدن آموزش بود. حاکمیت به جای پاسخگویی درباره عملکرد بسیار ضعیف خود در حوزه آموزش عمومی، با فرافکنی و برنامه‌های غیرعلمی و کارشناسی به هیچ مرجعی پاسخگو نیست. به فعالان صنفی حمله می‌کند تا ضعف و ناکارآمدی ساختاری خود را لاپوشانی کند تا جایی که در هفته‌های گذشته شاهد تجمعات دانش‌آموزان در اعتراض به سیاست‌های ضدآموزشی و نحوه برگزاری امتحانات بودیم. حاکمیت نه تنها صدای آنها را نشنید حتی پا را فراتر گذاشت به تجمعات دانش‌آموزان حمله کرد. ما سیاست‌های آموزشی را که به نفع اقلیتی از دانش‌آموزان و تشدید کننده شکاف طبقاتی از طریق آموزش است به شدت محکوم می‌کنیم و از حقوق دانش‌آموزان و مطالبات آنان چون گذشته دفاع می‌کنیم.

سرکوب معلمان و دانش‌آموزان در حالی است که معلمان ایران نه برای کسب قدرت سیاسی، بلکه برای دفاع از آموزش عمومی، مقابله با تبعیض آموزشی، بهبود وضعیت معیشتی فرهنگیان، حفظ کرامت حرفه‌ای معلمان و صیانت از حقوق کودکان و دانش‌آموزان فعالیت می‌کنند. جرم‌انگاری چنین مطالباتی، در واقع جرم‌انگاری دفاع از منافع عمومی جامعه است.

در پایان تکرار می‌کنیم که امنیتی‌سازی فعالیت‌های سیاسی، صنفی و مدنی نه نشانه اقتدار، بلکه نشانه ناتوانی در شنیدن صدای جامعه و حل مسائل واقعی کشور است. هیچ حکومتی از مسیر سرکوب، محدود کردن تشکلهای مستقل و خاموش کردن منتقدان خواهان آزادی و رفاه و کرامت انسانی، به ثبات دست نیافته و نخواهد یافت.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران خواهان آزادی بیان، حق تشکلیابی و تجمع برای تمام جامعه از جمله معلمان است.

اعمال مجازات غیر انسانی اعدام بویژه اعدام زندانیان سیاسی باید متوقف شود و همه زندانیان سیاسی و عقیدتی از جمله معلمان زندانی:

رضا امانی فر، هاشم خواستار، جواد لعل محمدی، مسعود فرهیخته، محمدعلی زحمتکش، سیامک صادقی چهرآزی، امیر رحیمی، علیرضا شایگان، فرزانه فرهد، علیرضا مرداسی، امان جلالی‌نژاد، علی احمدی و ابوالفضل خوران



بایستی فوراً و بدون قید و شرط آزاد گردند. پرونده‌سازی علیه فعالان متوقف شده و فضای سرکوب و ارباب و اعدام برچیده شود.

ما چون گذشته اعتقاد داریم جامعه آزاد و برابر و عاری از هر نوع تبعیض و ستم در گرو همبستگی جمعی است و برای تحقق این مطالبات و صلح و رفاه و کرامت انسانی باید حول تشکلهای مستقل واقعی متحد شد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

۲۳ خرداد ماه ۱۴۰۵



احضار مجدد امیر وقاری فرهنگ لنگرودی، فعال کارگری و مدافع حقوق بازنشستگان

امیر وقاری فرهنگ لنگرودی، فعال کارگری و از مدافعان حقوق بازنشستگان، پس از شرکت در تجمعات اعتراضی سراسری ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵، با دستور بازپرس شعبه ۱۳ دادسرای انقلاب رشت بازداشت شد.

وی پس از دو روز بازداشت در بند ۱۲ زندان لاکان رشت، با سپردن وثیقه‌ای به مبلغ چهار میلیارد تومان در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵ به طور موقت آزاد شد.

امیر وقاری در اظهارات خود به شرایط نامناسب و نگران‌کننده نگهداری بازداشت‌شدگان حوادث ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴ در بند ۱۲ زندان لاکان اشاره کرده و این وضعیت را اسفبار توصیف کرده است.

آقای وقاری در تاریخ ۱۶ خرداد ۱۴۰۵ از طریق ابلاغیه‌ای فاقد نام و مشخصات مقام صادرکننده، برای حضور در شعبه دوم دادگاه انقلاب رشت احضار شده است. وی با اشاره به آنچه «ابلاغ ناقص و فاقد وجاهت قانونی» توصیف کرده، اعلام کرده است که در جلسه یادشده شرکت نخواهد کرد.



درد مشترک؛ فریاد مشترک می‌طلبید

تورم افسارگسیخته و سرسام اور و وضعیت اسفبار اقتصادی موجود ، نفس‌ها را به شماره انداخته و روز به روز گلوئی ما مردمان فرودست را بیشتر می‌فشارد .

در چنین شرایطی سکوت یعنی تن دادن به بی‌حقوقی و ستم بیشتر ،

لذا، ما بازنشستگان با حضوری پرشور علیه این زندگی سراسر تبعیض و نابرابر، به خیابان آمده و رساتر از قبل در کنار هم فریاد می‌زنیم:

فقط کف خیابون به دست میاد حقمون

اتحاد، اتحاد/علیه فقر و فساد

بازنشسته بپا خیز برای رفع تبعیض

وعده دیدار ما یکشنبه ۲۴ خردادماه ساعت ۹، تأمین اجتماعی



طومار ۱۴ هزار بازنشسته برای حفظ استقلال صندوق بازنشستگی نفت

در طومار بازنشستگان نفت آمده است: ما امضاکنندگان این کارزار، معتقدیم استقلال و سلامت صندوق، نه تنها ضامن امنیت معیشتی بازنشستگان شریف این صنعت، بلکه نمادی از احترام به حقوق مالکیت و عدالت اجتماعی است.

به گزارش ایلنا، حدود ۱۴ هزار بازنشسته صندوق بازنشستگی نفت با امضای کارزاری در پلتفرم کارزار خطاب به سران سه قوه و رئیس دیوان عدالت اداری، وزیر نفت دولت چهاردهم و اعضای کمیسیون اصل نود



مجلس، خواستار جلوگیری از ادغام صندوق بازنشستگان صنعت نفت در سایر صندوق‌ها و حفظ استقلال آن شدند.

در این طومار آمده است:

«ما امضاکنندگان این کارزار، جمعی از کارکنان شاغل و بازنشستگان صنعت نفت کشور هستیم که با احساس مسئولیت نسبت به صیانت از حقوق قانونی، سرمایه‌های انباشته و استقلال صندوق بازنشستگی صنعت نفت، نگرانی عمیق خود را از اقدام‌ها و برنامه‌های اخیر برای مداخله در امور و دارایی‌های این صندوق ابراز می‌داریم.

صندوق بازنشستگی صنعت نفت، بر پایه‌ی اساسنامه‌ی رسمی، با ماهیتی مستقل و غیردولتی اداره می‌شود و دارایی‌های آن متعلق به کارکنان و بازنشستگان این صنعت است؛ سرمایه‌هایی که حاصل سال‌ها تلاش، کار سخت و پس‌انداز اعضاست و بر اساس اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مالکیت مشروع و خصوصی محسوب می‌شود.

متأسفانه در سال‌های اخیر، برخی اقدامات و تصمیم‌گیری‌ها بدون جلب رضایت ذی‌نفعان صندوق و خارج از چارچوب‌های قانونی صورت گرفته است که این امر موجب نگرانی جدی خانواده‌ی بزرگ صنعت نفت نسبت به آینده‌ی حقوق، مستمری‌ها و دارایی‌های بازنشستگان گردیده است.

ما ضمن اعلام احترام به تمامی نهادهای حاکمیتی کشور، خواستار موارد زیر هستیم:

۱. پرهیز کامل دولت و دستگاه‌های اجرایی از هرگونه مداخله در مدیریت و دارایی‌های صندوق بازنشستگی صنعت نفت.

۲. تضمین و تأکید بر استقلال مالی، مدیریتی و حقوقی صندوق بر مبنای اساسنامه و اصول قانون اساسی.

۳. نظارت شفاف و قانونی مجلس شورای اسلامی و دستگاه‌های نظارتی ذی‌ربط بر جلوگیری از هرگونه واگذاری اجباری یا استفاده‌ی غیرمجاز از دارایی‌های صندوق.

۴. حمایت قاطع از حقوق بازنشستگان، شاغلان و خانواده‌های ایشان به‌عنوان صاحبان واقعی این سرمایه.

ما امضاکنندگان این کارزار، معتقدیم استقلال و سلامت صندوق، نه تنها ضامن امنیت معیشتی بازنشستگان شریف این صنعت، بلکه نمادی از احترام به حقوق مالکیت و عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران است.

خواهشمندیم با توجه به اهمیت و فوریت موضوع، دستورات لازم جهت توقف مداخلات احتمالی و تضمین استقلال صندوق بازنشستگی صنعت نفت صادر گردد.»



تشدید فشار به فعالان صنفی معلمان

حکم جدید ۱۵ ماه حبس برای مهدی فتحی عضو هیئت مدیره انجمن صنفی معلمان فارس  
مهدی فتحی از اعضای انجمن صنفی معلمان فارس پس از تحمل ۲ سال حبس از محکومیت ۵ ساله  
پیشین خود

که هم اکنون با پابند الکترونیک در حبس خانگی به سر می برد، به ۱۵ ماه زندان دوباره محکوم شده است  
تمدید قرار بازداشت سیامک صادقی چهارزی برای سومین ماه متوالی  
بر اساس گزارش‌های دریافتی، قرار بازداشت سیامک صادقی چهارزی، فعال صنفی معلمان استان  
خوزستان، برای سومین ماه متوالی تمدید شده است

حکم یک سال حبس تعزیری برای ایمان شهوندی فعال صنفی معلمان فارس، پاسارگاد

در ۸ فروردین ماه ۱۴۰۵ برای آموزگار ابتدایی ساکن پاسارگاد آقای ایمان شهوندی پرونده ای با اتهام تبلیغ  
علیه نظام در شعبه ی یک دادیاری شهرستان پاسارگاد و با گزارش کذب ناحیه ی مقاومت بسیج پاسارگاد  
ساخته شد که در نتیجه آن آقای شهوندی غیابا به یک سال حبس تعزیری محکوم شد.

فروغ خسروی، معلم اهل بهبهان، از آموزش و پرورش اخراج شد

فروغ خسروی، معلم مقطع ابتدایی اهل بهبهان و شاغل در مدارس آغاچاری، با حکم «لغو پیمان» از آموزش  
و پرورش اخراج شده است. این در حالی است که وی پیش‌تر به چهار ماه انفصال موقت از خدمت محکوم  
شده بود

**برقرار باد همبستگی، صلح، آزادی، برابری و عدالت اجتماعی در ایران**

**متحدانه برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو احکام زندان مبارزه کنیم.**



تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی، در مقابل سازمان تأمین اجتماعی

تظاهرات خیابانی هفتگی بازنشستگان در روز یکشنبه ۲۴ خرداد در تعداد زیادی از شهرها برگزار شد. علاوه بر بازنشستگان تامین اجتماعی در بعضی از شهرها بازنشستگان مخابرات و فرهنگیان نیز در تجمعاتی که مقابل دفاتر سازمان تامین اجتماع برگزار شد مشارکت داشتند. در تجمعات یکشنبه، بازنشستگان خواستار افزایش و پرداخت به موقع حقوق، بیمه رایگان و کارآمد، پرداخت کمک هزینه معیشتی، پرداخت بدهی های دولت به سازمان تامین اجتماعی، همسان سازی و ... شده و نسبت به گرانی کالاهای اساسی و دارو نیز اعتراض کردند. تعداد شهرهایی که در این اعتراضات مشارکت داشتند نسبت به هفته قبلی سه برابر شده بود

**متحد و متشکل علیه سیاستهای ریاضت کشانه حکومت مبارزه باید کرد!**

**از مبارزه کارگران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی حمایت کنیم!**

**مبارزه برای آزادی زندانیان مدنی و سیاسی و لغو قانون اعدام را تشدید کنیم!**

**\* برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**\* "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>